

اول کودکان

هفته نامه اول کودکان شماره ۲۴ - ۲ آذر ۱۳۸۳ (۲۲ نوامبر ۲۰۰۴) www.childrenfirstinternational.org

سر دبیر: ثریا شهبابی

دوشنبه ها منتشر میشود



منحصر به یهودیت نیست و اسلام را نیز در بر میگیرد. پسر بعد از شنیدن این گفته

خدا و دودول

سلیمان قاسمیانی

در سوئد بود. آنچه بیش از همه توجه من و پسر را به خود جلب کرد توضیح نماینده مذهبی یهودی در توجیه ختنه کردن پسران بود. او اظهار داشت: "ختنه پسران یک سنت کهن و مقدس، و یک وظیفه الهی است. پسر با ختنه شدنش، پیوندش با خدا برقرار میشود". این پدیده البته

با پسر که آنموقع ۱۲ سال داشت، نشسته بودیم و به یک برنامه گفت و شنود تلویزیونی از تلویزیون سوئد در مورد ختنه کردن پسران نگاه میکردیم. از جمله دعوت شنگان به برنامه یکی هم نماینده حوزه مذهبی یهودیان

فقط

چهارده ساله بود



زیر شلاق ماه رمضان، شکنجه کش شد

محکوم "نیم کش" است، "تمام کش" شود

پس از مرگ این نوجوان ۱۴ ساله، برای جلوگیری از پخش

خبر واقعه، و از ترس خشم مردم، مقامات دولتی والدین

نوجوان شکنجه کش شده را مجبور به سکوت مطلق میکنند

آنها از ترس ازدحام مردم، خانواده را مجبور میکنند که

مراسم دفن را بتعویق انداخته و آنرا تنها با حضور اعضای خانواده

برگزار کنند هویت این نوجوان قربانی تعزیرات اسلامی ماه

در صفحه ۳

پسرچهارده ساله ای در شهر سنندج، در ماه رمضان به اتهام

روزه خواری بازداشت و از طرف قاضی دادگاه عمومی سنندج به

۸۵ ضربه شلاق محکوم شد و پنج شنبه ۲۳ آبان حکم اجرا

شد و نوجوان محکوم، در حین اجرای حد شرعی، بعد از وارد

آمدن پانزدهمین ضربه شلاق، جان خود را از دست داد

باوجود جان باختن این نوجوان بی گناه، اما ضربات شلاق مقرر

شده طبق حکم اسلام، همچنان بر تن بیجان او میبارد تا طبق

احکام تعزیرات اسلامی اگر

اموال والدین پس از مرگ را مشخص نمیکند

2-در مورد بخش حقوق کودکان

در خانواده بند یک (لغو امتیاز مرد بعنوان سرپرست ...) به نظر

شما اصلا جای این بند در انی بیانه بوده است؟ این بند مربوط

به حقوق زن در خانواده میشود و مستثیما حقوقی را برای

کودکان تضمین نمی کند و من

در صفحه ۳

حق ویژه برای دختران! آیا تبعیض آمیز نیست؟ در مورد بیانیه جهانشمول حقوق کودک

و در بعضی از بند های این بیانیه نکات مبهمی برای من

وجود دارد 1- این بیانیه حقوق کودکان

دختر و پسر را نسبت به ارث و

خانم شهبابی عزیز با سلام

بیانیه جهانشمول حقوق کودک

را که از سوی نهاد اول کودکان

منتشر شده را خواندم،

در صفحات دیگر میخوانید

- جانین و قاتلان کودک ۱۴ ساله را با حکومت خدایشان بکشیم
- از میان نامه های رسیده



ممنوعیت هر نوع تعرض به جسم کودک، اعم از دختر و پسر، از جمله به بهانه مذهب، سنت و رسوم (مثل ختنه، سوراخ کردن گوش و ...)

از بیانیه جهانشمول حقوق کودک، منتشره اول کودکان

زندگی شاد امن و خلاق، حق مسلم کودکان است

باید اجرا شود، نه تنها کمکی برای درک مسئله به من نمیکرد بلکه وحشت مرا از آن قدرت ناپیدای عظیم، یعنی خدا صد چندان زیاد میکرد. نمی توانستم بفهمم خدا چه کاری به بدن من و مخصوصا دودول من دارد. با توجه به دردی که مرا در خود گرفته بود، طبیعی است که خدا برای من نه مهربان بلکه شدت قسی القلب بود. تا دو هفته بعد هم شاشیدن عذابی تمام عیار تصور نکردنی. اطمینان دارم که پدرم هنگام تصمیم گیریش در مورد ختنه کردن من، به من بطور کلی و به خواست من مطلقا فکر نکرده بود. این خدا و یوغ سنتهای کهن بود که سنت بالا را داشتند. با بزرگ شدنم، شخصا از عقاید والدینم شدت فاصله گرفتم. اما جای پای اعتقادات آنها در تمام زندگی بر جسم و جانم باقی خواهند ماند. پسران من از دستدرازی این عمل وحشیانه بر جسم و جانشان برعذر بوده اند. آنها بعدا وقتی که بزرگ شده اند، خودشان می توانند تصمیم بگیرند که پوست ختنه گاهشان را حفظ کرده یا آنرا در ازای اعتقاد احتمالی شان به خدا هدیه کنند.

چرا که از ترس لال شده بودم و چون بید می لرزیدیم. احساس کوچکی بینهایت، تنهایی مطلق، و دنیای بیرونی بزرگسالانه وحشتناکی که بدون استثنا در مقابل تو کودک بی پناه ایستاده است و بر وحشتت و گریه های بی امانت، بیرحمانه میخندد، روح را هنوز منقلب میکند. پدرم و عمویم دستها و پاهایم را چسبیده بودند و توان هر حرکتی را از من گرفته بودند. هنوز تبسم استهزاآمیز عمویم را بیاد دارم که ناگهان گفت: "وای، اون موش رو می بینی که رو سقف اتاق میوه؟" به سقف نگاه کردم و ناگهان سوزشی عمیق تمام تنم را در خود پیچید. چیغ میزدم بدون اینکه بتوانم بنم را تکان بدهم و این باعث میشد که فشاری عظیم را بر کاسه چشمهایم احساس کنم. درد تمام وجودم و همه حواسم را فرا گرفته بود. همه چیز درد بود و سوزشی بی انتها. حالا دیگر کار "قصاب" و همکارانش به پایان رسیده بود. نمی توانستم درک کنم که چرا باید چنین بلایی به سر بچه ها بیاید. توضیحات پدرم در مورد اینکه این خواست خداست و

سایه روشنهای نوری در ذهنم مانده اند. اما روز ختنه شدنم را با وجود آنهمه سالی که پشت سر گذاشته است، هنوز حضورش برایم ثابت و روشن است. هنوز هوای آنروز را، بوهار را، قیافه های حاضرین در مراسم را، درد را... بیاد دارم. آنروز را مثل امروز بیاد دارم. تابستانی گرم و خشک بود. شش سال داشتم و تازه اولین تعطیلات تابستانی بعد از مدرسه را مزه می کردم که خبر ورود "دودول بُر" در حیاط خانه امان پیچید. یادم می آید که چند بار از دستشان در رقت ولی عقبیت گیر افتادم. پدرم، مادرم، عموها و زن عموهایم و دو پسر عموی هم سالم که همان سرنوشت را انتظار میکشیدند و طبیعتا آقای "قصاب" هم در اطاق بزرگ منزل عمویم چشم براه ورود ما بودند. خورشید مثل طوق لعنت بر آسمان حیاط خانه امان چسبیده بود. سماور بیتابانه میجوشید. هوای اطاق بوی الکل و بادام تلخ میداد. هوا سنگین بود سقف اتاق گویی قصد فرود آمدن و چسپیدن به کف اتاق را داشت. ترس جانم را فرا گرفته بود. فریاد نمی زدم

احترامیهای درناک. در تمام طول عمرم فقط یکبار از پدرم سیلی خوردم. پنج سال داشتم و پدرم داشت نوشتن حرف "ح" را یاد میداد. تلاشهای پدرم برای راه آمدن انگشتان کوچک من با "ح" راه بجایی نمی برد. قوس لعنتی "ح" سختتر از آن بود که انگشتان کوچک و ناوارد من قامتش را مهار کند. چیزی به اذان شب مانده بود و پدرم میخواست هر چه زودتر "ح" را در مخ و انگشتان من فرو کند. وقتی تمام تلاشها بی نتیجه ماند، دست پدرم بالا رفت و با یک سیلی پایین آمد. هنوز آن لحظه، آن ترس و آن سوزش صورتم را احساس میکنم. گویی که امروز بود. آنچه بیش از همه دردآور بود نه خود ضربه فیزیکی بود، بلکه ترس بود، ترسی عظیم از آدمی بزرگ که تمام عظمت دنیای کودکی مرا تشکیل میداد. وقتی که به بدترین خاطرات کودکی باقیمانده در ذهنم رجوع میکنم، ماجرای ختنه در صدرشان قرار دارد. مرگ خواهر کوچولویم، از دنیا رفتن مادربزرگم، مرگ اولین دختری که دوستش داشتم، همگی شان تنها بصورت

ناگهان به صدا در آمد و پرسید: "آخه دودول و خدا چه ربطی بهم دارند؟ چرا برای ارتباط با خدا باید دودول بچه را ببرند؟" این سنووال در کمال معصومیت خود، معضل مذهب و انسان و بویژه دخالت مذهب در زندگی کودکان بی دفاع را در نهایت وضوح نشان میدهد. برای پسر من این فضای اجتماعی و فرهنگی فراهم بود که بتواند این سنووال را مطرح بکند. اما هر روز میلیونها کودک در محیطهای اسلامی و یهودی، در اقصی نقاط جهان، قصابان خدا، برای مثله کردنشان، برای بریدن تکه ای عزیز از نشان، برای ختنه کردنشان به جانشان میافتند بدون اینکه فریادهای اعتراض کودکانشان به جایی برسد. هر آنچه را که در زندگی بر انسان میگذرد نمیتوان بخاطر آورد. آنچه که خود را در حافظه حک میکند، آن لحظاتی هستند که برایمان بسیار مهم بوده اند، یا بهر حال چنین احساسی در ما ایجاد کرده اند. لحظاتی از غم سنگین یا شادی مفرط، اتفاقات هولناک یا توهین و بی

از صفحه ۴

که بخشی از سوال تان با مراجعه به آرشیو برنامه تلوزیونی مان برطرف شد اما این مجتبی است که سوال تعداد بیشتری هست و ما سعی میکنیم که حتما در یکی از شماره های هفتگی به مسیله ختنه کودکان پسر و ضرورت ممنوع شدن آن توضیح دهیم در مورد بیانیه به نکات بسیار مجالبی اشاره کرده اید نکاتتان را هم راه پاسخ آن در این شماره در نشریه هفتگی به نکات تان پاسخ خواهیم داد

برایمان ارسال کردی متاسفانه به این خاطر که باید تایپ شود، در این شماره نتوانستیم از آن استفاده کنیم حتما در شماره های آتی از آن استفاده خواهیم کرد آیا میتوانید مقالات و گزارشاتتان را با یک برنامه فارسی مثلا word فارسی بنویسید؟ این کار انتشار را بسیار ساده میکند علاوه نکاتتان و پاسخ به آنها را در مورد بیانیه جهانشمول حقوق کودک را در این شماره میخوانید خوشحالیم

عظیم فجایع زندگی کودکان در ایران است حتما عکسی که گفته ای را برایمان بفرست *** خانم شهبلی سلام، مکالمه ای که سال گذشته با یک پسر بچه افغانی داشتم را بصورت گزارش برایتان میفرستم مناسب بود در نشریه چاپ کنید، با تشکر امیر کلهر *** امیر عزیز، گزارش جالبی است متشکریم که این گزارش را

اینشو دیدم. فقط با مرگ خامنه ای و سقوط رژیمش ما می تونیم کودکان دیگه ای رو نجات بدیم بعدا دوتا عکس از دو دختر که اعدام و تیرباران شده اند برات می فرستم . بای، زنده باد آزادی ، مرگ بر رژیم ادمکش جمهوری اسلامی، اروین برومند *** آروین عزیز ، متشکر از نامه ات درست است خبر شکنجه کش شده نوجوان ۱۴ سال نوک کوه

متشکر از نامه تان ما هم آن مطلب را خوانده ایم با آن موافق نیستیم بنظر ما اشتباه میکنند همانطور که در نامه برایت نوشییم حتما این اشتباه را به آنها یاد آوری کنید *** ثریای عزیزم سلام . امیدوارم حالت خوب باشه . من خبر مردن اون پسر ۱۴ ساله رو شنیده بودم. عزیزم تازه این چیزی نیست. من بیشتر از

ممنوعیت خشونت جسمی و روانی کودکان

رمضان، هنوز کشف نشده است و همه این به خاطر رفع گرسنگی، یا برطرف کردن تشنگی، و یا حتی هوس خوردن و نوشیدن از طرف نوجوانی ۱۴ ساله، و همه این به خاطر ارضای نیازی به این اندازه ابتدایی و طبیعی، اتفاق میافتد این جنایتی ترسناک علیه بشریت است!

جمهوری اسلامی ایران باید به خاطر ارتکاب این جنایت محکوم شود قاضی شرع و مجری حکم و قانونگذار این حکم غیر انسانی، همه باید محاکمه شوند باید فشار آورد که هویت این نوجوان قربانی فوراً معلوم شود و خانواده او در آرامش و امنیت حقایق مربوط به شکنجه کش شدن نوجوانانشان را بازگو کنند این اولین بار نیست که کودکان در ایران بدست رژیم اسلامی ایران به قتل میرسند عاطفه

رجبی ۱۵ اوت امسال اعدام شد وقتی که او به اتهام رابطه خارج از ازدواج بدار آویخته شد، ۱۶ سال بیشتر نداشت، ژیلایزدی و برادرش از تابستان امسال به اتهام رابطه نامشروع در زندان بسر میبرند ژیلایزدی و برادرش ۱۳ و ۱۵ ساله هستند ژیلایزدا به سنگسار محکوم شد اما بعد از اعتراضات شدید بین المللی این حکم به زندان تغییر یافت گذشته از زندان، شلاقکاری هم بخشی از مجازات ژیلایزدی و برادرش بوده است

کودکان مستقل از اینکه در کدام جغرافیا متولد شده اند و مستقل از اینکه علیرغم میل شان در کدام محیط اسلامی زندگی میکنند، باید از تعرض مذهب و از تعرض اسلام مصون باشند مذهب به کودکان هیچ ربطی ندارد ماه رمضان هر چقدر هم برای پیروانش مقدس باشد، باید تنها بعنوان مسئله و

امخصوصی خودشان تلقی شود کودکان نباید بهیچ وجه تاوان علائق و ایده های بزرگسالان، حکومت و والدینشان را در مورد خدایان، عذابهای جهنمی، رستاخیز، حلول مجدد ارواح یا هر خرافه دیگری، را پس بدهند در هیچ جای این جهان نباید اجازه داد که مذهب زندگی کودکان را به فنا بکشد امنیتشان را برهم بزند، حق شادمانی و شاد بودن و ارضای نیازهای طبیعی فیزیکی و روحیشان را از آنها بگیرد مذهب را باید همه جا به حیطة خصوصی افراد بزرگسال راند و ورود به دنیای کودکان را بر آن ممنوع کرد و کودکان باید مصون از تعرض مذهب رشد و زندگی کنند.

در ایران قوانین، از حقوق مدنی تا قانون جزا و قانون خانواده، تماماً کودک ستیزند طبق قانون

دختران از نظر جنسی از سن ۹ سالگی، بالغ شمرده میشوند جدایی پسر و دختر از همان شروع مدرسه آغاز میشود والدین، تقریباً قدرت و اختیار بلامنازع بر زندگی و مرگ فرزندانیشان دارند و دولت هیچ مسئولیت اساسی در قبال زندگی و بهزیستی کودکان در جامعه بر دوش نگرفته است در حمایت قانون، این مذهب است که زندگی و رشد کودکان را قالب میزند و خارج از محدوده بسیار تنگ، مختنق و محدود قوانین رسمی ارتجاعی اسلامی، عشق و لذتهای نرمال زندگی ممنوع است

شکنجه کش شدن نوجوان بی گناه چهارده ساله در سندانج، به خاطر روزه خواری، یکی از محصولات نفرت انگیز دست درازی مذهب به کودکان در ایران است. "اول کودکان" همه مردم در سرتاسر جهان، دولتها،

احزاب سیاسی و سازمانهای مدافع حقوق بشر و بویژه سازمانهای مدافع حقوق کودک را فرا میخواند که علیه شکنجه کش شدن این نوجوان بیگناه توسط حکومت اسلامی ایران، اعتراض کنند اول کودکان به سهم خود تلاش خواهد کرد که اجازه ندهد پرونده این جنایت در خفا و سکوت، بسته شود و تمام تلاش خود را برای بسیج هرچه بیشتر برای اعتراض به حکومت اسلامی و قوانین کودک ستیزش، بکار خواهد بست و در این راستا همه مردم انسان دوست را فرا میخواند که در کنار ما، و دست در دست فعالین اول کودکان، اجازه ندهند که حکومت اسلامی و قوانین جزایی آن بیش از این قربانی بگیرد

سلیمان قاسمیانی

از طرف دفتر مرکزی اول کودکان

حق ویژه برای

فکر میکنم این بند را باید در بیانیه های سازمان رهایی زن گنجانند نه اینجا!!
۳- مجازات سنگین باید برای آزار و ارباب و سلب آزادی تمام

کودکان خانواده باشد نه فقط کودکان دختر خانواده
۵- لغو انتقال نام خانوادگی پدر و توافق بین پدر و مادر برای تعیین نام خانوادگی، کاملاً ایده خوبی است ولی اینکه در صورت عدم توافق، کودک نام خانوادگی

مادر را بر خود خواهد داشت، فرقی با انتقال اجباری نام خانوادگی پدر نخواهد داشت و این سوال پیش میآید که حالا چرا مادر؟ و این خود القا کننده عقاید فمینیستی و سکسیستی است و مغایر با خواست های

برابری طلبانه ما است من پیشنهاد میکنم کودک مجاز باشد پس از سن ۱۶ سالگی این نام ها را خود انتخاب کند با تشکر فراوان از شما و همه دوستان در اول کودکان امیر کلهر

پاسخ تریا شهابی را در شماره بعدی اول کودکان هفتگی میخوانید

از سایت اول کودکان دیدن کنید
www.childrenfirstinternational.org

children first

به اول کودکان پیوندید

مسکن تغذیه بهداشت و رفاه برای همه کودکان



ChildrenFirst

www.childrenfirstinternational.org Nr: 24 22. 11. 2004 Weekly of Children First

را با حکومت خدایشان بزیر کشید باید دست مذهب را از زندگی مردم کوتاه کرد

خواست محاکمه حاکم شرع و مجریان این جنایت را به خواست عموم مردم تبدیل کرد باید خانواده این کودک عزیز را در آغوش گرفت و با شرکت در اعتراض علیه این جنایت و با طرح خواست لغو حکم اعدام با آنها همدردی کرد

در خارج کشور سازمانها و نهادهای مدافع حقوق کودک و مدافع حقوق انسانی را از وقوع چنین جنایاتی مطلع کرد و رژیم اسلامی را بخاطر اعمال چنین جنایاتی به دادگاههای بین المللی کشاند

اما نباید فراموش کرد تنها راه نجات کودک از دست این پاسداران خدا بزیر کشیدن

جانینان و قاتلان کودک ۱۴ ساله را با حکومت فدایشان بزیر بکشیم

پرشورترین لحظات زندگیشان شادی میکنند، عشق میورزند و بازی و تفریح میکنند تاکی باید به این جانینان اجازه داد فرزندانمان را در جلوچشمانمان اینچنین پژمرده کنند لحظه ای به ژیلان نوجوان فکر کنید کودکش را از او گرفتند و شلاق حکومت خدایشان را نثارش کردند

نباید اجازه داد رژیم اسلامی بتواند چنین جنایاتی را ادامه دهد کمپین محکومیت این جانینان را بخاطر اعدام و شکنجه کودکان را باید راه انداخت، باید تلاش کرد افکار عمومی را علیه این جنایات به خیابان آورد و آنها

شنیده است می تواند راحت از کنار آن بگذرد چه کسی می تواند لحظات دردناک جانبختن این کودک را در زیر ضربات شلاق حامیان قران و خدا تصور کند، و آسود از کنار آن بگذرد تجسم کنید کودکی که در سن نوجوانیش باید به زندگی عشق بورزد، دوست داشته باشد و دوستش داشته باشند، شادی رفاه و آسایش بخش کوچکی از حیاتش باشد، بدست این جانینان هستیش این گونه با قضاوت تباه شود با کودکان در جوامع دیگر مقایسه کنید هم سن و سال هایش اکنون در مدرسه در کوچه در خانه و همه جا در



اسد نودینیان

خبر هولناک و غیر باورکردنی مرگ کودک ۱۴ ساله بدست پاسداران حکومت دین و خدا وجدان هر انسان شرافتمندی را به لرزه در می آورد خبر دهیشناکی که تنها از این وحشیان پاسدار دین و خدا بر میاید چه کسی می تواند باور کند، کودکی را به چه دلیل باید تا حد مرگ کتک زد، کدام وجدان آگاه که این خبر را

Children First International Campaign For children's Rights
آدرسهای اول کودکان

دفتر مرکزی، ثریا شهابی
Main Office:
ChairPerson, Soraya Shahabi
CF, BM Box 2592
London WC1N3XX
England
Tel: 44-798 134 3101
childrenfirstinternational@yahoo.ca
avalkodakan@yahoo.co.uk
soraya_shahabi@yahoo.com
www.childrenfirstinternational.org

دفتر سوید، سلیمان قاسمیاتی
Barnen Först
Vatthagsvägen 13
Uplands Väsby 52 194
barnenforst@spray.se
Tel. 070-444 15 78
Fax: 08- 590 737 99
Postgiro: 27 73 88-5
www.barnenforst.se

دفتر آلمان، جلال محمودزاده
Djalal-M
Postfach 501722
50977 Köln
Germany
tel: 0172-2836427
djalal-m@web.de

دفتر انگلستان، الهه صبا
BM Box 2592
London WC1N3XX
England

دفتر نروژ:
اسلو، ناصر مرادی
Tel: 47 -98600215
childrenfirst@chello.no
برگن، قادر محمودپور
Tel: 47 -91877877
childrenfirstbergen@yahoo.no

ویسلیت:
avalkodakan@yahoo.co.uk

از میان نامه های رسیده

ان جی او ها نوشته اند مراجعه کرد ،امیدوارم این دوستان بعد از سالها کار و فعالیت بیشتر در نوشته هایشان دقت کنند، امیدوارم همه ما در تلاشی انسانی و منصفانه برای حمایت از کودکان موفق باشیم،

رضا حمیدی از ایران

رضا حمیدی عزیز صفحه ۲

این حرکتیهای مردمی را به نوعی به خود وصل کنند، که جدا از این واقعیت که این تشکلهای وابستگی سیاسی به احزاب و سازمانها ندارند آنها را در معرض نا امنی سیاسی قرار میدهند برای بهتر دیدن این مساله میشود به مقالات مندرج در نشریاتشان (مشخصا نشریه آزادی زن شماره ۹۰) که در مورد

انجمنها و کانونهای دفاع از کودکان در ایران است که امیدوارم حمایت معقولانه و سنجیده شما یاری دهنده این انسانهای والا باشد متاسفانه جریانات سیاسی خارج کشوری هستند که به نوعی میخواهند

به اول کودکان دوستان چند شماره از نشریه بسیار خوبتان را خواندم جدا از حرکت بسیار انسانی شما در حمایت و تلاش برای احقاق حقوق کودکان نکته مورد توجه برای من انعکاس اخبار و فعالیت

حقوق کودک جهاتشمول است